

نقد دیدگاه مستشرقان درباره تعدد همسران پیامبر ﷺ از منظر قرآن*

محمد حسین محمدی* و فاطمه صارمی***

چکیده

در طول تاریخ مستشرقان زیادی درباره قرآن و اسلام پژوهش کرده‌اند، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مستشرقان تحقیقات خود را علیه اسلام، پیامبر ﷺ و مکتب اهل بیت ﷺ شدت بخشیدند و در مقابل چالش‌ها به جای ارائه حقایق به اهانت و افتراء به اسلام و نقد سیره و زندگی پیامبر پرداخته‌اند.

در این میان مسئله تعدد زوجات پیامبر یکی از موضوعات مورد توجه مستشرقان بوده و این موضوع را دلیلی بر شهوترانی پیامبر و علاقه مفرط ایشان به زنان و مانع گرایش افراد به اسلام و به تبع آن تضعیف دین اسلام دانسته‌اند. در حالی که با نگاه جامع به آیات و روایات و منابع تاریخی و حدیثی، تعارض این ادعاها با ویژگی‌های شخصیتی پیامبر ﷺ و واقعیت‌های تاریخی روشن می‌شود. از طرف دیگر، تمام ازدواج‌های آن حضرت بعد از وفات حضرت خدیجه ﷺ دارای مصالح و حکمتی بوده است. در این نوشتار کوشیده شده است تا با بررسی ادله و حکمت‌های ازدواج‌های رسول خدا و بیان اهداف هر یک از آنها و همچنین بیان دیدگاه‌های برخی از اندیشمندان منصف غربی، بطلان دیدگاه‌های مستشرقان روشن و از ساحت مقدس نبی اکرم ﷺ در حدّ توان دفاع گردد.

کلید واژگان: تعدد زوجات، محمد، اسلام، همسران پیامبر، مستشرقان.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۱۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۵/۹/۹.

** استادیار جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول): mhmtafsir@yahoo.com

*** دانشجوی ارشد گرایش منابع اسلامی دانشگاه معارف: mhmtafsir@yahoo.com

مقدمه

در بررسی یک موضوع باید آن را متناسب با فرهنگ و خاستگاه همان موضوع و با توجه به شرایط مکانی، زمانی و سایر عوامل دخیل در آن واکاوی نمود؛ چرا که هر موضوعی ممکن است در یک فرهنگ هنجار باشد، ولی در فرهنگی دیگر ناهنجار تلقی شود. موضوع چندهمسری یکی از این موضوعات است که در جوامع گوناگون و در شرایط و زمان‌های مختلف، چهره‌های متفاوت داشته است.

تاریخچه این امر روشن می‌کند که داشتن همسران متعدد از دیرباز در جوامع بشری امری پذیرفته شده بوده و هم‌اکنون نیز در بسیاری از کشورهای جهان یک هنجار اجتماعی پذیرفته شده می‌باشد.

در مسئله چندهمسری، ازدواج‌های پیامبر اکرم ﷺ یکی از موضوعاتی است که تعدادی از خاورشناسان به عمد و عده‌ای نیز به جهل بدون در نظر گرفتن فرهنگ و زمان پیامبر و بدون ملاحظه حکمت این ازدواج‌ها، ایشان را متهم به هوسرانی کرده‌اند. نوشتار حاضر در پی یافتن پاسخ پرسش‌های ذیل است: فرهنگ شبه جزیره عربستان در آن عصر نسبت به تعدد همسران چگونه بوده است؟ چرا پیامبر اسلام همسران متعدد اختیار کرده است؟ این ازدواج‌ها تحت چه شرایطی صورت گرفته است؟ آیا این ازدواج‌ها به خاطر هوسرانی بوده است؟ نظر خاورشناسان نسبت به این موضوع چگونه است؟

نوشتار پیش رو با استفاده از منابع اسلامی به بررسی ازدواج‌های پیامبر اسلام و تبیین فلسفه آن‌ها می‌پردازد و دیدگاه‌های خاورشناسان را در این باره مطرح می‌کند.

پیشینه بحث

بحث ازدواج پیامبر در آیات مختلفی از قرآن کریم به چشم می‌خورد و در بیشتر تفاسیر ذیل آیات ۳۶-۳۸ سوره احزاب (طبری، جامع البیان، ۱۹۶۷: ۱۰/۲۲؛ رازی، روض الجنان، ۱۴۰۸: ۴۲۵/۱۵؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۶۰: ۵۶۴/۸؛ سیوطی، الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۲۰/۵؛ فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۱۶/۲۵؛ طباطبایی، المیزان، بی‌تا: ۳۲/۱۶) و نیز در برخی منابع تاریخی مانند (ابن سعد، الطبقات الکبری، ۱۹۹۰: ۷۷/۶؛ ابن اثیر، تاریخ کامل، ۱۳۸۵: ۱۲۱/۲) به صورت پراکنده و فشرده مورد اشاره قرار گرفته است. درباره موضوع بحث نیز کتاب‌های مختلفی مانند «مع المفسرین و المستشرقین فی زواج النبی بزینب بنت جحش؛ دراسة تحليلية». زاهر عواض

الالمعی بر اساس روایات اهل سنت تدوین شده و مشتمل بر نکات تاریخی، تفسیری، و روایی است. مؤلف ضمن طرح دیدگاه‌های برخی مفسران و محدثان از جمله ابن جریر طبری، به دیدگاه‌های مستشرقان توجه و نظرات آنها را نقد نموده است.

مستشرقان و ازدواج‌های پیامبر اسلام ﷺ

خاورشناسان در مورد ازدواج‌های پیامبر دیدگاه‌های متفاوتی داشته‌اند، از جمله:

الف) مستشرقان منتقد

عده‌ای از مستشرقان تعدد زوجات، پیامبر را ناشی از علاقه مفرط و بی‌محابای آن حضرت نسبت به زنان دانسته‌اند.

۱. **گوستاولوبون** با وجود تمجیدهای فراوان از شخصیت پیامبر ﷺ، این مسئله را تنها نکته قابل انتقاد ایشان دانسته و می‌نویسد:

«اگر بتوان از محمد انتقادی کرد، فقط همان محبت افراطی اوست که به زن داشته است، ولی این را هم نباید از نظر انداخت که این محبت فقط در قسمت اخیر زندگانی در او پیدا شده بود و الا در اوایل عمر تا سن ۵۰ سالگی به همان زوجه اولی قناعت کرد. پیامبر این محبت را هیچ‌وقت پوشیده هم نگه نمی‌داشت؛ چه این قول منسوب به اوست که می‌فرمود: «دو چیز را خیلی دوست دارم: یکی زن و دیگری بوی خوش، ولی آنچه بیش از همه قلبم را قوت می‌دهد، نماز است». پیامبر به سن زنان خود چندان اهمیت نمی‌داد؛ زیرا عایشه را وقتی به نکاح خود درآورد که سنش زیاده از ده سال نبود، لکن میمونه دختر حارث را که به زنی گرفت، عمرش بالغ بر ۵۱ سال بود... پیامبر مخصوصاً در یک سال چهار زن اختیار نمود...» (گوستاولوبون، تمدن اسلام و غرب، ۱۳۳۴: ۱۲۰).

۳. **ویلیام مویر** در شرح حال‌نامه چهارجلدی خود با عنوان «زندگی محامد» [۱۸۵۸م.] پس از شرح حال پیامبر در مکه و ستایش او می‌نویسد:

«اما در مدینه وضعیت تغییر می‌کند. در آنجا قدرت دنیوی، جاه‌طلبی و ارضای نفس به سرعت با هدف سترگ زندگی پیامبر درهم می‌آمیزد و همه اینها با روش‌های دنیوی به دست می‌آیند. پیام‌های آسمانی آزادانه نازل می‌شوند تا عملکرد سیاسی را توجیه کنند... در واقع، افراط‌کاری‌های غریزی و شخصی نه تنها موجه دانسته می‌شوند، بلکه با تأیید حکم الهی مورد تشویق قرار می‌گیرند. اجازه و امتیازی ویژه داده می‌شود که پیامبر را مجاز می‌دارد همسران بسیاری اختیار کند» (همان).

در واقع، مویر پیامبر را فردی متأثر از فضای مادی مدینه می‌شناسد که به دنبال ارضای غریز در حد افراطی بوده و اعمالش مورد تأیید الهی قرار می‌گرفته است. ولی باید گفت پیامبر اسلام ﷺ تمام اعمال خود را با اذن و اجازه قبلی خداوند انجام داده است نه اینکه پس از انجام افعال، خداوند آنها را تأیید کرده باشد.

۴. **إمیل منعم** مستشرق دیگری است که ازدواج‌های پیامبر را نشئت گرفته از علاقه ایشان به زنان دانسته و می‌گوید:

«شعر محمد بالعقد الأخير من عمره بمیل کبیر إلی نساء؛ اشعار محمد در اواخر عمر حضرت همراه با علاقه زیاد به زنان بوده است» (فؤاد محمود، من إفتراعات المستشرقین علی الأصول العقیدة فی الإسلام، ۱۴۲۲: ۲۱۳).

(ب) مستشرقان منصف

الف) آراء مستشرقان منصف درباره تعدد زوجات پیامبر

۱. **ویل دورانت** نویسنده مشهور غربی، در تحلیل ازدواج‌های متعدد پیامبر می‌نویسد: «پیامبر ده زن و دو کنیز گرفت و همین سبب خرده‌گیری غربی‌ها از ایشان شده است، ولی باید توجه داشت که به دلیل مرگ و میر بسیار سامیان آن زمان، تعدد همسر از لوازم زندگی و یک وظیفه اخلاقی بوده است. تعدد ازدواج در زمان پیامبر یک امر معمول و رایج بوده و از همین رو پیامبر نیز آسوده بود. اما باید دقت داشت که پیامبر با این کار در صدد اشباع غریزه جنسی نبوده است» (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ۱۳۸۵: ۲۲۰/۴).

۲. **جان دیون پورت**، اسلام‌شناس انگلیسی، در کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن» (نیک‌بین، فرهنگ جامع خاورشناسان مشهور، ۱۳۸۰: ۴۴۶) به دفاع از پیامبر اسلام ﷺ پرداخته و می‌نویسد:

«تعدد همسر در مشرق‌زمین از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام به بعد رایج و معمول بوده است... حضرت محمد عملی را مشروع دانست که نه تنها محترم بود، بلکه در ادوار سابق از طرف خدا مورد برکت و رحمت واقع شده بود و در دوران جدید مشروع و محترم اعلام شد. در این صورت، آن حضرت از اتهام شهوت‌پرستی مصون و بری است» (دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، بی‌تا: ۲۳۲).

وی در جای دیگر نیز با اظهار تأسف از افتراعات مستشرقان و جهل و نادانی معاندان می‌نویسد:

«اگر ازدواج‌های پیامبر مولود شهوت بود، مسلماً لازمه آن، استعمال زینت و وسایل آرایش و نمایش ظرافت و زیبایی بود، در حالی که این قسمت از آیات حاکی از نفی زینت و جلوگیری همه زنان از به‌کاربردن آن می‌باشد. تبعیت نه زن در این مورد از پیامبر دلیل کمال انسانیت و درجه عالی عظمت ایشان است» (عقیقی‌بخشایشی، همسران رسول خدا، ۱۳۵۲: ۸۰).

۳. **توماس کارلایل** در ردّ اتهامات و افترااتی که بر پیامبر وارد ساخته‌اند، می‌گوید: «علی‌رغم اتهام دشمنان محمد، او هرگز شهوت‌پرست نبوده است. با دشمنی و ظالمانه، او را متهم به شهوت‌رانی نموده‌اند. چقدر بی‌انصافی است که شخصی مانند محمد را به شهوت‌رانی متهم کنیم یا اینکه بگوییم جز شهوت و لذت نفس هم‌تی نداشت. میان محمد و شهوت و لذت‌پرستی چقدر فاصله بود» (دوانی، پیامبر اسلام از نظر دانشمندان شرق و غرب، بی‌تا: ۸۵).

۴. **ال.آ.سیدیو**، مستشرق فرانسوی، تعدد زوجات پیامبر را امری درجهت بهبود وضعیت اجتماعی زن دانسته و درباره‌ی مصلحت این تعدد می‌نویسد:

این ظلم بزرگی است که ما وضع ناراحتی زن شرقی را به محمد نسبت دهیم؛ زیرا ایشان کوشش داشت که حال زن را بهبود بخشد. زن عرب زود رشد می‌کند و به سرعت درهم شکسته می‌شود. طبیعت او را وادار به فروتنی می‌کند. او ازدواج با زنان را تا چهار عدد پایین آورد و مردم را نصیحت کرد که داشتن یک زن بهتر است. اگر خودش با این کار مخالفت کرد، به دلیل برخی جهات سیاسی بود که در نتیجه ازدواج او، عده‌ای از قبایل به اطاعت او درآمدند (زمانی، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان، ۱۳۸۵: ۲۱۷).

محمود العقاد می‌گوید:

«مستشرقینی که داشتن نه زن را دلیل بر بسیاری کشش جنسی پیامبر دانسته‌اند بالضرورة باید حضرت مسیح را نیز از حیث تمایلات جنسی قاصر و ناتوان توصیف کنند و چون مسیح را در علاقه جنسی قاصر نمی‌دانند، نباید حضرت محمد ﷺ را نیز افراط‌کار پندارند (العقاد، محمد راه محمد، ۱۳۵۸: ۱۳۱).

ب) تعدد زوجات پیامبر به خاطر فرزند پسر

عده‌ای از مستشرقان نیز علت ازدواج‌های پیامبر را میل ایشان به داشتن پسر دانسته‌اند.

ماکسیم رادیسون در این زمینه می‌گوید:

«اعراب و همچنین اقوام سامی از نداشتن پسر که وارث آنها بشود، رنج می‌بردند تا جایی که چنین شخصی را « ابر » می‌نامیدند که تقریباً به معنای « ناقص » است. محمد از این ناراحتی به شدت رنج می‌برد؛ زیرا خدیجه نتوانسته بود فرزندی ذکور برایش بیاورد» (انصاری، کورش بزرگ و محمد بن عبدالله، بی‌جا: ۲۷۹-۲۷۸).

جان دیون پورت ضمن ردّ نظریه لذت‌گرایی و شهوترانی، احتمال می‌دهد که تعدد ازدواج پیامبر ناشی از میل به پسر دار شدن باشد. ایشان می‌نویسد:

«... آیا نمی‌توان در مورد تعدد زوجات پیامبر اسلام بیشتر بر این احتمال تکیه کرد که محمد زن‌های متعددی را که در دوران اواخر زندگی اتخاذ نمود، ناشی از این میل و رغبت بوده است که پسری داشته باشد» (دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، بی‌تا: ۵۲).

بررسی

مقدمه اول: پیشینه چند همسری در تاریخ

قانون تعدد زوجات به رغم توهم عده‌ای که آن را از ابتکارات اسلام دانسته‌اند، در همیشه تاریخ وجود داشته و اسلام به اصلاح آن پرداخته است. تعدد زوجات مختص به رسول اکرم نیست، بلکه سنت بیشتر انبیای قبلی از جمله موسی علیه السلام بوده است (استانبولی، مصطفی نساء حول الرسول، ۱۴۲۳: ۳۲۸). در کتب اناجیل نیز نصی یافت نمی‌شود که تعدد زوجات را حرام بدانند، بلکه در بعضی رسائل از پولس نقل شده که مردان دین (اسقف) اگر نتوانند رهبانیت را حفظ کنند، باید به یک زن اکتفا کنند، اما غیر آنها می‌توانند با هر چند زن که می‌خواهند، ازدواج نمایند (همان، ۳۳۲).

اساتید علوم اجتماعی مانند سترمارک و جینز برج بر این باورند که تعدد زوجات در شعوبات و قبایل متمدن یک نظام متبع بود و اینکه بعداً به یک همسر اکتفا کردند، تنها به دلیل تقلید بود و ربطی به دین آنها نداشت (جبری، السیره النبویه، بی‌تا: ۱۵۴).

جریان رواج چندهمسری در گذشته‌های تاریخ را مورخان غرب و شرق نقل کرده‌اند. ویل دورانت می‌نویسد:

«علمای دینی قرون وسطی چنین تصور می‌کردند که تعدد زوجات از ابتکارات اسلام است، در صورتی که چنین نیست و در اجتماعات ابتدایی جریان چندهمسری بیشتر مطابق

آن بوده است. عللی که سبب پیدایش عادت تعدد زوجات در اجتماعات ابتدایی گشته، فراوان است. به واسطه اشتغال مردان به شکار و جنگ، زندگی مرد بیشتر در معرض خطر بود...» (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۵: ۴۴۷).

گوستاولوبون نیز در کتاب «تمدن اسلام و عرب» رسم تعدد زوجات را مربوط به قبل از اسلام و شایع در تمام اقوام شرقی از یهود، ایرانی، عرب و... می‌داند و می‌نویسد: «رسم تعدد زوجات ابداً مربوط به اسلام نیست». وی در ادامه رسم تعدد زوجات را عاملی برای از بین بردن فساد و حفظ احترام زن دانسته و می‌نویسد: «مسئله تعدد زوجات یکی از رسوم بسیار خوبی است که فساد اخلاق را از میان دست‌هایی که آن را جایز می‌دانند، برداشته و ارتباط خانواده‌ها را محکم‌تر می‌کند و چنان احترام و سعادت به زن می‌بخشد که نظیرش در اروپا دیده نمی‌شود» (گوستاولوبون، تمدن اسلام و غرب، ۱۳۳۴: ۹۰).

استاد محمد الأبرشی در کتاب «عظمة الرسول» بر این نکته تأکید می‌کند که در جوامع تمدنی مثل یونان قدیم که مهد فلسفه و پزشکی بود، زن مانند یک کالای تجاری خرید و فروش می‌شد و مردان بدون هیچ قید و بندی می‌توانستند زنان زیادی بگیرند وی در ادامه می‌نویسد:

در برخی دیگر از شهرها مثل اسپارت یونان زن می‌توانست دو شوهر یا بیشتر داشته باشد، در حالی که مرد فقط حق یک زن را داشت. وی همچنین به مباح بودن رسم تعدد زوجات در میان بنی اسرائیل و پس از آنان اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«اسلام این رفتارها را از بین برد و مرد و زن را در حقوق و واجبات مساوی قرار داد» [لهنّ مثل الذی علیهنّ بالمعروف] (معروف الحسنی، سیره المصطفی، ۱۹۷۵: ۴۷۵-۴۷۱).

مقدمه دوم: ضرورت چند همسری

بسیاری از زنان و دختران به سبب عوامل متعدد تا پایان عمر از نعمت ازدواج محروم می‌مانند و در تنهایی و عزوبت وحشت‌انگیز به سر می‌برند یا تن به خودفروشی و امثال آن می‌دهند. برخی از این عوامل عبارت است از:

۱. تولد بیشتر دختران در مقایسه با جنس مذکر براساس آمارهای موجود؛
۲. تلف شدن تعداد بسیاری از مردان بر اثر حوادث.

مقاومت بیشتر زنان در برابر بیماری‌ها و عوامل هورمونی و ... موجب فزونی تعداد آنان در برابر مردان می‌شود. مطالعات مختلف نشان می‌دهد، جنس زن در دوران جنینی، کودکی و به ویژه دوره پیش از بلوغ، در برابر بیماری‌های عفونی مقاوم تر از جنس مرد است و شرایط نامناسب و رنج آوری همچون کمبود مواد غذایی و سوء تغذیه، پسران را بیش از دختران تحت تأثیر قرار می‌دهد. در کل، مرگ و میر زنان نسبت به مردان در برابر بیماری‌ها کمتر است (هادی حسینی و دیگران، کتاب زن، به نقل از: اصول علم تغذیه، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

نکته دیگر اینکه هورمون‌های مردانه، باعث بروز رفتارهای خشن، تهاجمی و جنگی می‌شوند که در نهایت به درگیری و صدمات بدنی و مرگ می‌انجامد، در حالی که هورمون‌های زنانه، آرام بخش‌اند و رفتارهای صلح جویانه را تقویت می‌کنند. همچنین تستوسترون Testosterone، (هورمون مردان) و استروژن‌ها Estrogene & Progestrone، (هورمون‌های زنانه)، اثرات متفاوتی بر سطح کلسترول Cholestrol و تعداد گلبول‌های قرمز خون (هماتوکریت) Hematocrite مردان و زنان دارند و بر اثر همین اختلاف هورمونی بین زن و مرد و پیامدهای ثانوی ناشی از آن، نسبت مرگ و میر مردان در سن ۱۵-۲۵ سالگی حدود ۴ - ۵ برابر زنان در همین محدوده سنی است؛ بنابراین، هورمون‌ها و نقش متفاوت آنها در مرد و زن، یکی از عوامل مطرح در مرگ و میر و تفاوت طول عمر آنها است (همان، ۱۱۷-۱۱۶).

۳. تنوع‌گرایی و «چند زن گرا» بودن مردان در مقابل «تک شوهرگرا» بودن زنان [براساس ذات و فطرت].

۴. ناتوانی زنان در تأمین جنسی مردان در ایامی معین.

۵. خصائص نژادی و تأثیرات آب‌وهوایی در مناطق مشرق‌زمین که سبب پیری زودرس در زنان می‌شود (گوستاولوبون، تمدن اسلام و غرب، ۱۳۳۴: ۵۰۵). شهید مطهری رحمته‌الله ضمن نادرست خواندن این تحلیل می‌نویسد: اولاً رسم تعدد زوجات در مشرق زمین منحصر به مناطق گرمسیر نبوده است. در ایران با اینکه از لحاظ آب‌وهوا معتدل است، قبل از اسلام تعدد زوجات معمول بوده است. ثانیاً اگر زود پیر شدن زن شرقی و غلیان نیروی جنسی مرد علت اصلی این کار بوده است، چرا مردم مشرق زمین همان راه مردم مغرب زمین را در قرون وسطی و جدید پیش نگرفته‌اند و به جای تعدد زوجات، طبیعت خود را با فحشا و زن‌بازی آزاد اقناع نکرده‌اند (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۸۵: ۳۱۸/۱۹).

در برابر این واقعیت‌ها سه اقدام می‌توان انجام داد:
 یک. جامعه زنان نیازمند شوهر، بدون همسر و تنها بمانند.
 دو. مردان در کنار یک همسر قانونی به ارتباط جنسی نامشروع با دیگر زنان بپردازند؛ چنان که غرب همین روش را برگزیده است.
 سه. مردانی که تمکن اقتصادی و نیاز جنسی دارند، به ازدواج شرعی و رسمی با زنان دیگر اقدام کنند.

دو اقدام نخست زمینه هوسرانی و عیاشی مردان و بی‌حمایتی زنان از جنبه‌های مختلف جنسی، روانی و مادی را فراهم خواهد کرد و در نهایت، موجب افزایش سرسام‌آور طلاق‌های قانونی و رهایی غیرقانونی زنان بر اثر فساد مردان می‌شود؛ لذا اسلام راه سوم را برمی‌گزیند تا ضمن جلوگیری از سقوط زنان به پرتگاه فساد، مانع بی‌بندوباری مردان در روابط جنسی شود و جایگاه قانونی زنان بی شوهر و عزت همسر اول در کانون خانواده را حفظ نماید (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۸۵: ۴۴۹).

شوپنهاور یکی دیگر از دانشمندان غربی است که وجود قانون تعدد زوجات را برای همه جوامع بشری لازم دانسته و می‌گوید: «قانون ازدواج اروپا که مردان را ملزم می‌کند به یک زن اکتفا کنند، بر اساس نامعقول و فاسدی بنا شده است» (حمامی، چندهمسری در قرآن و سیره پیامبر، ۱۳۸۵: ۲۰۵). امروزه نیز مسیحیان افریقایی تعدد زوجات را وسیله‌ای برای نشر رسالت تبشیری خود قرار داده‌اند؛ زیرا اصرار بر منع تعدد زوجات را مانعی برای ورود به دین نصرانی می‌دانند؛ لذا تعدد بدون حد و قید را واجب اعلام کردند (الاستانبولی، مصطفی نساء حول الرسول، ۱۴۲۳: ۳۱۵-۳۱۴).

خلاصه اسلام تعدد زوجات را به صورت مطلق مباح ندانسته است، بلکه شئون ازدواج را منظم و تعدد زوجات را مقید و محدود به برخی شرایط کرده است. علاوه بر این، تعدد زوجات در همه موارد عامل بی‌ارزش جلوه‌دادن زن نیست، بلکه سبب حفظ جایگاه زن در خانواده و ۶۹ جلوگیری از سوء استفاده‌های برخی مردان می‌شود.

عوامل و ریشه‌های اصلی نگرش منفی مستشرقان به ازدواج‌های پیامبر ﷺ را می‌توان چنین برشمرد:

۱. تصور مادیگرایانه از ازدواج‌های پیامبر؛
۲. تصور نادرست آنان از فرهنگ اسلام و شخصیت پیامبر؛
۳. تحلیل ازدواج‌های پیامبر با ذهنیت مذهبی مسیحیت؛
۴. تنافی و ناسازگاری ازدواج با معنویت و قدسی بودن انسان؛
۵. ارزش دانستن عزوبت و دست‌کم گرفتن تک‌همسری؛
۶. استناد به برخی گزارشات و روایات ساختگی در کتب تاریخی و حدیثی مسلمانان، به ویژه منابع اهل سنت و عدم نگرش جامع به منابع؛
۷. قرار دادن حرم‌سراهای امویان، عباسیان، عثمانی‌ها و پادشاهان مسلمان که صرفاً نامی از اسلام داشته‌اند به عنوان سمبل اسلام و جانشینان پیامبر و سرایت دادن رفتار نادرست آنان به رسول گرامی اسلام ﷺ (عبدالحمیدی، مستشرقان و پیامبر اعظم، ۱۳۹۲: ۱۹۶-۱۹۵).

ازدواج‌های پیامبر

در بررسی آرای مستشرقان و ارائه پاسخ مناسب به شبهات و اتهامات آنان، آگاهی از نظر دیگر مستشرقانی که با دید مثبت به این مسئله نگریسته و نیز آشنایی با ازدواج‌های متعدد پیامبر ﷺ ضروری به نظر می‌رسد؛ لذا ابتدا به اجمال به این دو مقوله و سپس به نقد اتهامات می‌پردازیم.

اول - زنان پیامبر و فلسفه‌ی ازدواج با آنان

آشنایی با زنان متعدد پیامبر و روشن ساختن اسرار عظیم ازدواج‌های حضرت نشان می‌دهد که تعدد همسران رسول خدا ناشی از افراط و زیاده‌روی آن بزرگوار در زن‌دوستی نبوده است، بلکه تعلق به حقیقت و وصول به کمال مطلق و مصالح عالی اسلامی زمینه‌ساز همه آنها بوده است. درباره تعداد همسران پیامبر نظرهای مختلفی وجود دارد، اما آنچه اکثر مورخان و دانشمندان بر آن اتفاق دارند، یازده زنی است که در این نوشتار به آنها اشاره می‌شود. البته دو تن از آنان در زمان حیات پیامبر از دنیا رفته و هنگام رحلت حضرت نه تن از آنان به عنوان همسر پیامبر حضور داشتند.

۱. خدیجه بنت خویلد

خدیجه زن بیوه چهل ساله‌ای بود که قبل از بعثت و در ایام جوانی پیامبر در ۲۵ سالگی ایشان به عنوان اولین همسر به عقد پیامبر درآمد. هدف رسول الله ﷺ از این ازدواج

شهوت‌رانی نبود، بلکه آمادگی برای حمل رسالت بود تا کسی همراه وی باشد که او را بر نشر رسالت و تبلیغ دعوت یاری رساند. او همان بانویی است که پیامبر درباره وی فرمود: زمانی که مردم همه کفر ورزیدند، او به من ایمان آورد و زمانی که همه مرا تکذیب کردند، او مرا تصدیق کرد و با بخشش مال و ثروت خویش با من همدردی کرد. زمانی که مردم مرا محروم کردند، خداوند از او اولادی به من داد و از دیگر همسرانم محروم ساخت (أبوسعده، تعدد الزوجات، بی‌تا: ۱۳۷). از این‌رو، پیامبر در زمان حیات او با هیچ زن دیگری ازدواج نکرد. خدیجه رضی الله عنها یگانه همسر باوفای پیامبر سه سال قبل از هجرت در مکه از دنیا رفت و هنگام مرگ ۶۵ ساله بود و در «حجون» با دست مبارک پیامبر به خاک سپرده شد (عقیقی‌بخشایشی، همسران رسول خدا، ۱۳۵۲: ۱۹).

۲. سوده دختر زمعه بن قیس قرشی

وی نخستین بانویی است که پس از وفات خدیجه رضی الله عنها به ازدواج پیامبر اکرم درآمد. سوده بیوه‌زنی ۵۵ ساله از قبیله بنی‌عامر از قبایل مشرک و بت‌پرست بود. البته سوده به همراه پدر و همسرش جزء اولین مهاجران به حبشه بودند. سکران بن عمر، شوهر سابق سوده، در بازگشت از هجرت دوم حبشه در جریان درگیری یا به دلیل بیماری در مکه از دنیا رفت. پس از مرگ او سوده به دلیل اسلام آوردنش سرگردان شده بود؛ لذا پیامبر به جهت نجات وی از تنگنای جانفرسا و روشن ساختن چراغ زندگانی او و بیشتر به سبب متمایل ساختن قبیله بنی‌عامر به اسلام با سوده ازدواج نمود (عقیقی‌بخشایشی، همسران پیامبر، ۱۳۵۲: ۲۰ و ۲۱). بر اساس روایات، سوده حق همخوابگی خود را به عایشه تفویض کرد و اظهار می‌داشت تنها هدفم این است که در روز جزا جزء زنان پیامبر اسلام ﷺ محشور گردم (همان به نقل از: سفینة البحار، ۱/ ۶۷۱)؛ بنابراین، دلیل این ازدواج، زیبایی و مکنّت و مال نبود، بلکه جنبه معنوی و سیاسی آن است. هر چند عده‌ای از نویسندگان همچون محمد بن محمد ثنا أبوسعده علت این ازدواج را رهایی از افترای افک بیان کرده است که به نظر می‌رسد این قول ضعیف باشد.

۳. عایشه دختر ابوبکر

عایشه به پیشنهاد خوله (زنی که پس از وفات خدیجه رضی الله عنها خود را به پیامبر بخشید) به همسری پیامبر درآمد و تنها زن دوشیزه و کم‌سن پیامبر بود. درباره سن عایشه اقوال بین ۶-۱۷ سال متفاوت است.^[۱]

۴. حفصه دختر عمر بن خطاب

حفصه هفت سال پس از شهادت شوهرش، حنیس بن حذافه، در جنگ بدر به پیشنهاد پدر خویش به عقد پیامبر درآمد. تاریخ به بی‌علاقگی پیامبر به حفصه گواهی می‌دهد. این بی‌علاقگی را در دوبار طلاق دادن او می‌توان فهمید. اهداف و علل این ازدواج در دو جنبه خلاصه می‌شود. یکی جنبه اجتماعی یعنی سروسامان دادن به یک زن بیوه و رهایی پدرش از مشکلات او و دیگری جنبه سیاسی یعنی جلب حمایت عمر و قبیله‌اش به دلیل جایگاه حساس آنان و رهایی از خطر بروز مخالفت و نفاق روزافزون اشخاص و اقوام او.

بی‌علاقگی پیامبر به حفصه و هدف سیاسی این ازدواج را از سخنان عمر بن خطاب می‌توان دریافت. زمانی که حفصه با همدستی عایشه علیه رسول خدا ﷺ متحد شدند و حضرت از هر دو کناره‌گیری نمود، پیامبر خواستند حفصه را برای بار دوم طلاق دهند که عمر نزد دخترش رفت و گفت: «وَ اللَّهُ لَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ لَا يُحِبُّكَ وَ لَوْ لَا أَنَا لَطَلَّقَكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ؛ به خدا سوگند! به یقین دانستم که رسول خدا ﷺ تو را دوست ندارد و اگر به خاطر من نبود، هر آینه پیامبر تو را طلاق داده بود» (مسلم، صحیح مسلم، بی‌تا: ۴/۱۶۵).

۵. زینب دختر خزیمه (ام‌المساکین)

همسر زینب، عبیده بن حارث بن عبدالمطلب، عموزاده پیامبر در جنگ بدر مجروح و در مراجعت به شهادت رسید. زینب که از زنان سخاوتمند مدینه به شمار می‌رفت و به ام‌المساکین (سرپرست بینوایان) مشهور بود (واقعی، طبقات الکبری، ۱۴۱۰: ۹۱؛ ابن جوزی، المنتظم، ۱۹۹۲: ۳/۱۶۱؛ ابن هشام، السیره النبویه، ۱۴۱۶: ۲/۶۴۸). او در نهایت تنهایی و غریبی به سر می‌برد. پیامبر اکرم برای اعاده شخصیت و آبروی این زن و التیام نهادن بر آلام و اندوه‌های او تن به ازدواج با او داد. وی نه تنها زیبا نبود بلکه سالخورده نیز بود (۶۰ ساله)؛ به طوری که در همان سال چهارم هجری و چندماه پس از ازدواج با آن حضرت دار فانی را وداع گفت. پس از خدیجه ﷺ زینب نخستین زن پیامبر بود که از دنیا رفت (طبری، تاریخ طبری، ۱۹۶۷: ۲/۵۴۵).

۶. ام‌سلمه دختر ابوامیه مخزومی

ام‌سلمه بافضیلت‌ترین و وفادارترین همسر پیامبر پس از خدیجه ﷺ بود. وی اولین زن مهاجر به مدینه بود که ابتدا به دلیل مخالفت اقوامش از همراهی ابوسلمه و مهاجرت به مدینه بازماند، اما در اثر بی‌تابی‌های زیاد نهایتاً قومش با مهاجرت وی موافقت نمود. پس از

شهادت ابوسلمه، بر اثر زخمی که در جنگ احد برداشته بود، بی‌سرپرست ماند و بنا به گفته خودش زنی مسن و عیالوار و محتاج سرپرستی و حمایت بود؛ لذا رسول خدا او را به عقد خود درآورد (همان، تاریخ طبری، ۸۲). زندگی او به قدری طولانی شد که حادثه جانسوز کربلا را درک کرد و به حدی از این واقعه متأثر گردید که برخی وفات او را معلول همین واقعه در همان سال شهادت ابی‌عبدالله‌الحسین (علیه‌السلام) یعنی ۶۱ ق. نوشته‌اند و برخی چون مرحوم مجلسی وفات او را در سال ۶۳ ق. دانسته‌اند (عقیقی‌بخشایشی، همسران رسول خدا، ۱۳۵۲: ۴۱).

۷. زینب بنت جحش

ازدواج پیامبر ﷺ با زینب همسر زیدبن‌حارثه در سال پنجم هجری که با هدف کوبیدن یک سنت باطل انجام گرفت، از موضوعاتی است که استعمار غرب برای تضعیف ایمان مردم و مخدوش ساختن شخصیت پیامبر به آن رنگ عشق و دلدادگی داده، پیامبر را مفتون عشق زینب معرفی می‌کند. خاورشناسان مغرض یا ناآگاه غربی بر اساس جملات مجعول برخی چون طبری و ابن‌اثیر جریان این ازدواج را این‌گونه بیان کرده‌اند که روزی چشم پیامبر به زینب افتاد. زید احساس کرد که پیامبر به زینب علاقمند شده است و به جهت علاقه‌ای که به پیامبر داشت، حضور آن حضرت شرفیاب شد و موضوع طلاق زینب را پیش کشید تا کوچک‌ترین مانعی برای پیامبر درباره ازدواج با زینب نباشد. پیامبر به طور مکرر او را از طلاق دادن همسرش نهی کرد، ولی سرانجام زید همسر خود را طلاق داد و پیامبر ﷺ با او ازدواج کرد (سبحانی، فروغ ابدیت، ۱۳۸۵: ۶۰۶-۶۰۵).

برخی پا را فراتر گذاشته و با جملاتی رکیک، نسبت‌هایی را به پیامبر می‌دهند که قلم از نگاشتن آن شرم دارد و به نوعی پیامبر را شیفته و عاشق جسم و جمال زینب معرفی می‌کنند. بنت‌الشاطی از قبیل افرادی است که این ازدواج را با همان جنبه عشق و دلدادگی بیان کرده و با شاخ و برگ فراوان، پیامبر را عاشق زینب معرفی می‌کند. تفاوت وی با دیگر خاورشناسان این است که انکار تمایل پیامبر به زینب و عدم علاقمندی به او را نه تنها دفاع از پیامبر نمی‌داند، بلکه عامل ایجاد شک بر این ازدواج برمی‌شمرد و می‌گوید: گویا این عشق خطایی است که پیامبر مرتکب شده و نقصی است که پیامبر باید منزّه از آن باشد ولی در واقع هیچ‌کدام نیست، بلکه جنبه بشری است و تمایل او به زینب قابل ملامت و سرزنش نیست (بنت‌الشاطی، عایشه زنان پیامبر، ۱۹۵۲: ۱۹۸-۱۸۸).

بر اساس آیات قرآن، ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش بر پایه یک ضرورت شرعی صورت گرفت. بدین ترتیب که پیامبر شوهر سابق زینب، زیدبن حارثه، را که غلام آزادشده خدیجه علیها السلام بود، به پسرخواندگی خود پذیرفت. مردم عقیده داشتند که پسرخوانده همانند پسر حقیقی است و همه احکام او را در حرمت، ارث و... دارد. از نظر شریعت اسلامی این عقیده باطل بود و باید به آن خاتمه داده می‌شد. راه‌چاره‌ای برای ریشه‌کن کردن این مفهوم جاهلی وجود نداشت مگر یک اقدام عملی به گونه‌ای که قابل تأویل و تردید نباشد؛ از این رو، ازدواج رسول خدا صلی الله علیه و آله با زن سابق پسرخوانده‌اش بهترین وسیله برای زدودن این مفهوم غلط از اذهان مردم بود (عاملی، سیره صحیح پیامبر اعظم، ۱۳۹۱: ۴۹۳/۲) که بر اساس آیه ﴿... فَلَمَّا فَصَى زَيْدٌ مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ...﴾ (الأحزاب/ ۳۷) پیامبر مأمور به انجام آن شد، در حالی که بیم آن داشت که مبدا افراد جاهل بر او خرده بگیرند و مخالفان پیرامون آن جنجال برپا کنند و این گفت‌وگوها در روند پیشرفت هدف مقدس او و گسترش اسلام اثر بگذارد و شک و تردید در دل افراد ایجاد کند (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۲: ۳۲۱). البته این دغدغه و ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و آله با این سخن خداوند ﴿وَتَخَشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾ (أحزاب/ ۳۷) رفع می‌گردد زیرا فرمان الهی است و آنچه برای پیامبر مهم است، عملی شدن دستور خداست ﴿وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ (أحزاب/ ۳۷) چنان که زینب خود نیز بر سایر همسران پیامبر به این امر مباهات می‌کرد و می‌گفت: «زَوَّجْنَا أَهْلُوكُنَّ وَزَوَّجَنِي اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ»؛ شما را خویشاوندان تان به همسری پیامبر درآوردند، ولی مرا خداوند از آسمان به همسری پیامبر خدا درآورد (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۳۷۰: ۱۳۷۷/۲).

۸. جویریة دختر حارث بن اُبی ضرار خراعیة

جویریة پس از اینکه شوهر اولش در غزوه بنی مصطلق کشته شد، به اسارت سپاه اسلام درآمد و کنیز یکی از مسلمانان شد. او برای آزادی خود از پیامبر اسلام درخواست کمک کرد. پیامبر وی را خرید و آزاد کرد. پس از آن، پیامبر با جویریة ازدواج کرد. پیامبر به عنوان مهریه او، چهل تن را آزاد کردند و مسلمانان در تأسی به پیامبر، همگی اسیران این جنگ را آزاد نمودند. با توجه به این گفته جویریة که وی هنگام ازدواج با پیامبر بیست ساله بوده است، در برخی اخبار درباره سبب نزول آیه ۵۱ سوره احزاب که پیامبر را در طلاق همسرانش مخیر

کرده، جویریہ یکی از آن همسران پیامبر ذکر شده که پس از نزول این آیه، پیامبر از آنان کناره‌گیری نمود (بخاری، صحیح بخاری، ۱۴۲۳: ۲/ ۲۴۸؛ ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ۷/ ۵۶۶-۵۶۷، طبری، جامع البیان؛ طبرسی، مجمع البیان، ذیل آیه).

اهداف پیامبر از این ازدواج اولاً هدف سیاسی بود تا با آزاد سازی کثیری از اسرای جنگی و اسلام آوردن آنان، خود و مسلمانان را از شر و توطئه این قبیله و قبایل همجوار نجات دهد و ثانیاً هدف انسانی و عاطفی و همان آزادی جویریہ بود که در میان اسیران، بی‌کس و تنها مانده بود.

۹. هند (ام حبیبه) دختر ابوسفیان

ابوسفیان رئیس قبیله بنی‌امیه و از سران قریش دارای موقعیت سیاسی و نفوذ کلام بود. به طور طبیعی وصلت با چنین فردی برای پیامبر از نظر تبلیغی برای اسلام و مهار مخالفان جایگاه خاصی داشت. دختر ابوسفیان، ام‌حبیبه، برخلاف پدر که محرک جنگ‌های قریش علیه رسول خدا ﷺ بود، اسلام آورد و با شوهرش، عبیدالله بن جحش، به حبشه مهاجرت کرد، اما در مراجعت از حبشه بیوه و بی‌سرپرست شد. بازگشت ام‌حبیبه به میان خانواده خویش محال و مساوی با از دست دادن عقیده یا بقاء بر عقیده و تحمل شکنجه‌های متعدد بود. در چنین شرایطی، این بانوی مهاجر نیازمند دستگیری و توجه بزرگ‌مردی از عرب بود؛ لذا پیامبر با این ازدواج توانست دسته‌ای قوی از دشمنان خود و اسلام را در آن شرایط سخت و بحرانی، «تجیب قلوب» نماید و علاوه بر آن، باعث سر بلندی ام‌حبیبه در میان مهاجران حبشه گردد و او را از غم و اندوه نجات دهد و باعث کاستن دشمنی ابوسفیان و به زانو درآوردن قریش در مقابل اقتدار اسلام شود (الصوف، زوجات النبی الطاهرات، بی‌تا: ۶۵-۷۱).

۱۰. صفیه دختر حی بن اخطب یهودی

جنگ خیبر و دلائل اقدام پیامبر به این جنگ، همه حکایت از خیانت‌های فراوان یهود به تشکیلات تازه تأسیس مسلمانان دارد (واقدی، المغازی، ۱۴۱۰: ۴۸۱ به بعد). در این جنگ ۷۵ عده‌ای از یهودیان کشته و تعدادی اسیر شدند و صفیه دختر حی بن اخطب و یکی از دختر عموهای او از حصار قموص به اسارت درآمدند. پیامبر به بلال فرمان داد آن دو را کنار بارها و جایگاه خود ببرد. پیامبر به او پیشنهاد کرد که اگر مسلمان شود و خدا و رسولش را انتخاب کند، او را آزاد فرماید. صفیه گفت من مسلمان شدم و خدا و رسولش را انتخاب می‌کنم.

پیامبر او را آزاد کرد و به همسری برگزید و آزادی او را مهریه‌اش قرار داد (واقدی، طبقات الکبری، ۱۴۱۰: ۸/ ۱۲۴ و ۹۵-۹۶). این ازدواج علاوه بر جنبه عاطفی و انسانی که موجب دلداری از صفیه و جبران شکست روحی او شد، از نظر اجتماعی نیز موقعیت او را صدچندان نمود و صفیه در زمره زنان باوفای پیامبر درآمد، چنان که هنگام احتضار پیامبر بیش از دیگران گریست (واقدی، المغازی، ۱۴۱۰: ۴۸۱).

۱۱. میمونه دختر حارث بن حزن هلالی

در سال هفت هجری زمانی که پیامبر به همراه سایر مسلمانان برای انجام عمره القضا راهی مکه شدند، میمونه از بزرگی و هیبت مسلمانان در شگفت شد و به رسول خدا علاقه‌مند شد. او این موضوع را با خواهرش ام الفضل، همسر عباس بن عبدالمطلب، در میان گذاشت و عباس نیز این مسئله را به اطلاع پیامبر رساند. پیامبر نیز جعفر بن ابی طالب را جهت خواستگاری به سوی او فرستاد و او خودش را به پیامبر بخشید و مهریه‌ای دریافت نکرد؛ از این رو، آیه «وَ امْرَأَةٌ مُؤْمِنَةٌ اِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ» (الاحزاب/ ۵۰) در مورد او نازل شده است. پیامبر برای سکونت میمونه حجره‌ای در نظر گرفت و مانند دیگر زنانش برای او شأن و جایگاهی قرار دادند. پیامبر پس از ازدواج با میمونه تصمیم گرفت مجلس مهمانی ترتیب دهد و بزرگان و خویشان او را به این مهمانی دعوت کند، ولی قریش این دعوت را نپذیرفتند و متذکر شدند که مهلت سه روزه پیامبر برای اقامت در مکه پایان یافته است و خواستار خروج وی و سایر مسلمانان از مکه شدند. میمونه نیز به همراه رسول خدا ﷺ به سوی مدینه رهسپار شد (ابن هشام، السیره النبویه، ۱۴۱۶: ۲/ ۶۴۶؛ واقدی، الطبقات الکبری، ۱۴۱۰: ۸/ ۱۳۵؛ طبری، تاریخ طبری، ۱۹۶۷: ۱۱/ ۶۱۱؛ بنت‌الشاطی، زنان پیامبر، ۱۹۵۴: ۱۷۷-۱۷۵).

از مجموع یازده همسر پیامبر، نه تن از آنان هنگام رحلت پیامبر حضور داشتند و خدیجه بنت خویلد و زینب بنت خزیمه قبل از وفات پیامبر از دنیا رفتند. همسران پیامبر از قبایل مختلفی بودند. این خود نشانه اهداف والای سیاسی و اجتماعی حضرت در این ازدواج‌ها است (ابن هشام، السیره النبویه، ۱۴۱۶: ۴/ ۲۹۸-۲۹۶).

نقد دیدگاه‌های مستشرقان

پس از آشنایی با دیدگاه‌های برخی دانشمندان منفی و مثبت‌اندیش غربی و نیز فلسفه ازدواج‌های پیامبر ﷺ به نقد آرا و دیدگاه‌های مستشرقان در این باره می‌پردازیم.

تعارض با شخصیت و سیره‌ی پیامبر

موضوع ازدواج‌های پیامبر بخشی از زندگی آن حضرت است؛ لذا تحلیل آنها بدون شناخت شخصیت و سیره آن بزرگوار میسر نیست. برخی از فضایل و خصلت‌های پیامبر که با هرگونه تهمت به ساحت مقدس ایشان ناسازگار است، عبارت است از:

۱. عبادت‌های طولانی: پیامبر ﷺ به دستور خداوند بیشتر ساعات شب را مشغول عبادت و راز و نیاز با پروردگار بود و تلاش‌های مداوم روزانه چیزی از عبادت‌های شبانه وی کم نمی‌کرد (عبدالمحمدی، مستشرقان و پیامبر اعظم، ۱۳۹۲: ۲۰۴).

۲. زهد و بی‌رغبتی نسبت به دنیا: ساده‌زیستی و عدم وابستگی و دلبستگی به دنیا از ویژگی‌های پیامبر بود که در جذب افراد خصوصاً طبقات متوسط و ضعیف جامعه به مکتب اسلام بسیار مؤثر بود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) که خود در متن زندگی آن حضرت حضور داشت، درباره زهد و پارسایی ایشان می‌فرماید: «... قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْمًا وَ لَمْ يُعْرِهَا طَرْفًا أَهْضَمَ أَهْلَ الدُّنْيَا كَشْحًا وَأَخْصَصَهُمْ مِنَ الدُّنْيَا بَطْنًا عَرَضَتْ عَلَيْهِ الدُّنْيَا فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَهَا...» (نهج البلاغه، خطبه، ۱۶۰)؛ «پیامبر از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و به دنیا با گوشه چشم نگریست، دو پهلویش از تمام مردم فرو رفته‌تر و شکمش از همه خالی‌تر بود. دنیا را به او نشان دادند اما نپذیرفت.»

پیامبر علاوه بر اینکه خود از دنیا کناره‌گیری می‌کرد، همسران خویش را نیز از زینت و جمال نهی کرد و آنها را میان طلاق و زهد مخیر ساخت.

از سوی دیگر، پیامبر زنان خود را بین بهره‌وری و ادامه به زندگی با آن جناب و طلاق اختیار داد و در صورت ادامه زندگی با آن حضرت، آنان را بین زهد در دنیا و ترک خود آرایی و تجمل مخیر نمود. آیه زیر شاهد بر همین مطلب است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسْرَحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا وَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب/ ۲۸ و ۲۹)؛ «ای نبی به همسران بگو اگر زندگی دنیا و زینت آن را می‌خواهید، بیایید تا شما را از دنیا بهرمنند کنم و به خوبی و خوشی طلاقتان دهم و اگر خدا و رسول و خانه آخرت را می‌خواهید، بدانید که خدای عز و جل برای زنان نیکوکار شما اجر عظیم آماده کرده است.»

با توجه به این آیه آیا جا دارد که کسی این نحوه فکر را جزو افکار شهوانی بدانند؟ آیا غیر از نمایش کمال انسانیت در این عمل، نکته دیگری ملاحظه می‌شود آیا تبعیت نُه زن از پیامبر و صرف نظر کردن از زینت، جز این است که ما آن را دلیل بر وصول به مرحله کمال انسانیت و حصول درجه عالی عظمت بدانیم. این معنا با وضع مرد زن دوست و جمال پرست و عاشق وصال زنان، نمی‌سازد!

پس برای یک دانشمند اهل تحقیق اگر انصاف داشته باشد، راهی جز این باقی نمی‌ماند که تعدد زوجات رسول خدا ﷺ را با عواملی دیگر، غیر زن دوستی و شهوترانی توجیه کند. علامه طباطبایی رحمته الله علیه ذیل آیات فوق می‌فرماید: «افرادی که محبت مفرط به زن و شهوت و عشق دارند، فریفته آرایش و زینت و عاشق جمال و دلربایی‌ها و طراوت سن جوانی می‌گردند، در حالی که این خصوصیات با زندگی و روش آن حضرت منطبق نمی‌گردد. چون زنان خود را میان کامجویی دنیوی و گرفتن طلاق مخیر می‌سازد. یا خدا و پیامبر را بگیرند و دنیا را رها سازند و یا دنیا و زینت آن را انتخاب کنند و از پیامبر طلاق بگیرند» (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، بی‌تا: ۴/۳۱۱-۳۰۸).

۳. شجاعت و فداکاری: یکی دیگر از خصلت‌های پیامبر، شجاعت و فداکاری وی در تمامی رخدادهای زندگی است. امیر بیان، امام علی علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «... وَ جَاهَدَ فِي اللَّهِ أَعْدَاءَهُ غَيْرَ وَاهِنٍ وَ لَأَمْعَدَّ...» (دستی، نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵: خطبه ۱۱۶)؛ پیامبر بدون سستی و بدن عذرتراشی در راه خدا با دشمنانش جنگید. همچنین امام علی علیه السلام در جای دیگر به فداکاری حضرت در جنگ‌ها و پیش‌فرستادن اهل‌بیت علیهم السلام در برابر هجوم دشمن اشاره نموده و می‌فرماید: «... إِذَا أَحْمَرَ الْبَأْسَ وَ أَحْجَمَ النَّاسُ قَدَّمَ أَهْلَ بَيْتِهِ فَوْقَىٰ بِهِمْ أَصْحَابَهُ حَرَ السُّيُوفِ وَ الْأَسِنَّةِ...» «هرگاه آتش جنگ زبانه می‌کشید و دشمنان هجوم می‌آوردند، اهل‌بیت خود را پیش می‌فرستاد تا به وسیله آنها اصحابش را از سوزش شمشیرها و نیزه‌ها حفظ فرماید» (همان، نامه ۹).

۴. پایداری و تحمل مشکلات: رسول خدا ﷺ پس از درگذشت خدیجه رضی الله عنها تا آخرین لحظه زندگی در بحران، جنگ و مشکلات سپری کرد. با سخت‌ترین فشارها و شکنجه‌ها در مکه و با جنگ‌ها و توطئه‌های قریش، یهودیان حجاز و منافقان درون جامعه اسلامی در مدینه روبه‌رو بود. تلاش و رنج بسیاری برای بنانهادن جامعه، فرهنگ و تمدن و به‌ثمررساندن آن انجام داد و این کارها مجالی برای افراط در لذت‌طلبی باقی نمی‌گذارد (عبدالمحمدی، مستشرقان و پیامبر اعظم، ۱۳۹۱: ۲۰۰).

۵. حیا و عفت پیامبر: برخی چون کنستاین ویرژیل گئورگیو در دفاع از ساحت پیامبر به حدیث «تأبیر النخل» اشاره نموده‌اند که براساس آن پیامبر هنگام مشاهده گرده‌افشانی گل‌های نر بر نخل‌های ماده، شرمگین شد و عرق بر صورتش نشست و گفت: این کار را نکنید (گیورگیو، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ۱۳۸۶: ۲۹۷). ایشان با استناد به این حدیث، پیامبر را مردی باحیا معرفی می‌نماید و هرگونه هوسرانی و شهوت‌پرستی را در حضرت انکار می‌کند. هرچند درباره عفت و حیا پیامبر شکی نیست، اما حدیث مذکور از نظر سندی قابل استناد نمی‌باشد.^[۲]

شخصیتی با چنین ویژگی‌هایی هرگز نمی‌تواند اسیر شهوات و وابسته به دنیا باشد و اصولاً با یکدیگر در تعارضند.

تعارض با واقعیت‌های تاریخی

تحلیل ازدواج‌های پیامبر با ذهنیت عصر کنونی و معیارهای مسیحیت و عدم ملاحظه شرایط زمانی و مکانی پیامبر ﷺ، یکی از عوامل زمینه‌ساز شبهات مستشرقان درباره این ازدواج‌ها است.

موضوع چندهمسری از مسائل اجتماعی و فرهنگی است که در شرایط زمانی و مکانی مختلف و در جوامع گوناگون با برخورهای متفاوتی روبه‌رو بوده است؛ به طوری که برخی آن را پذیرفته و در همان زمان برخی دیگر به شدت با آن مقابله کرده‌اند. به گواهی تاریخ، موضوع تعدد زوجات در میان عرب بی‌هیچ قیدوشرطی و بدون هیچ حدودمرزی عادی و رایج بوده و از همین رو، برانگیزاننده هیچ شبهه‌ای در آن زمان نبوده است (مستشرقان و پیامبر اعظم، عبدالحمیدی، ۲۱۰ به نقل از: الندوه، ۱/ ۵۷۸). علاوه‌براین، توجه به عنصر زمان در ازدواج‌های پیامبر ﷺ نشان می‌دهد که همگی آنها جز ازدواج با خدیجه رضی الله عنها پس از سن پنجاه سالگی و در فاصله سال‌های اول تا هفتم هجری قبل از فتح مکه و در اوج جنگ‌های اسلام و کفر بوده است، در حالی که اقتضای امیال نفسانی و هوسرانی این است که ازدواج‌های متعدد یا در سال‌های جوانی و قبل از پنجاه سالگی باشند یا هم‌زمان با دستیابی به حکومت و تحکیم پایه‌های قدرت صورت گیرد (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۲۱۳: ۱۳۸۵). توجه به سن پیامبر در این ازدواج‌ها موضوعی است که مورد غفلت دشمنان اسلام واقع شده است؛ زیرا اگر شهوت عامل ازدواج باشد، آن شهوت در ایام جوانی است که رغبت به زنان بیشتر است نه در

بزرگسالی که این رغبت ضعیف و سست می‌شود؛ لذا پیامبر نه امری منافی مسلک بشری انجام داده ﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾ و نه چیزی که با سیره پیامبران قبلی منافات داشته باشد (أبوسعده، تعدد زوجات اعجاز تشریحی، بی تا: ۲۵).

توجه به نکات مذکور روشن می‌سازد که ازدواج‌های پیامبر از روی شهوت و به جهت مال و جمال زنان نبوده، بلکه در ورای آنها اهداف والایی وجود داشته است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف) اهداف‌های تبلیغی و سیاسی

پیامبر ﷺ به دلیل دستیابی به موقعیت‌های بهتر اجتماعی و سیاسی، تبلیغ دین خدا و استحکام آن، پیوند با قبایل بزرگ عرب و جلوگیری از کارشکنی‌های آنان، حفظ سیاست داخلی و ایجاد زمینه مساعد برای مسلمان شدن قبایل عرب، به برخی ازدواج‌ها رو آورد. در راستای این اهداف، پیامبر با عایشه دختر ابوبکر از قبیله بزرگ تیم، با حفصه دختر عمر از قبیله بزرگ عدی با ام حبیبه دختر ابوسفیان از قبیله نامدار بنی امیه پیوند زناشویی برقرار نمود.

ب) اهداف تربیتی

تربیت عملی برای نگهداری و حمایت از یتیمان و ضعیفان از اهداف دیگر ازدواج‌های پیامبر بود. آیات قرآن به طرق مختلف مردم را به دستگیری و حمایت از بیچارگان، درماندگان و یتیمان فرا می‌خواند. پیامبر نیز در موقعیت‌های مختلف و زمان‌های مناسب، مردم را به این کار خداپسندانه ترغیب می‌کرد. مردان مسلمان را تشویق کرد زنان بیوه و بی سرپرست و یتیم دار را به فراخور حالشان با پیوند زناشویی به خانه‌های خویش ببرند و به زیر چتر حمایتی خویش در آورند. پیامبر با ازدواج با این‌گونه زنان، الگوی عملی پسندیده‌ای برای مسلمان شد.

پس از جنگ احد و حوادثی مانند رجیع و بئرمعونه که عده زیادی از مردان مسلمان به شهادت رسیدند، پیامبر با ازدواج با چند زن بیوه از آنان و یتیمانشان حمایت کرد؛ زنانی همچون ام سلمه، زینب بنت خزیمه، حفصه دختر عمر، ام حبیبه که از این جمله می‌باشند.

ج) آزادی کنیزان و بردگان

رسول خدا ﷺ از شیوه‌های خوب و پسندیده گوناگونی برای رهایی و کرامت بخشیدن به اسیران و بردگان استفاده می‌کرد که یکی از آنها ازدواج بود. جویریه و صفیه هر دو کنیز

بودند. پیامبر این دو را آزاد کرد، سپس با آنان ازدواج نمود تا بدین وسیله به مسلمانان آموزش دهد که می‌توان با کنیز ازدواج نمود؛ یعنی اول می‌بایست او را آزاد کرد، سپس شریک زندگی خود قرار داد.

(د) تکریم جایگاه زنان

برخی از زنانی که مسلمان شده بودند و به جهت مرگ، شهادت یا ارتداد شوهر، بی‌سرپرست می‌شدند، زندگی برای آنان بسیار مشکل بود و در وضع بسیار آشفته‌ای به سر می‌بردند. اینان نه به تنهایی می‌توانستند به زندگی ادامه دهند و نه می‌توانستند به دامن بستگان مشرک خویش برگردند.

ام حبیبیه، دختر ابوسفیان که همراه شوهرش به حبشه هجرت کرد و در آنجا بی‌سرپرست شد، نه می‌توانست در آنجا بماند و نه به مکه نزد پدرش برگردد؛ لذا پیامبر وقتی از مشکل وی باخبر شد، پیکی برای نجاشی پادشاه حبشه فرستاد و از او خواست ام حبیبیه را به عقد پیامبر در آورد. این ازدواج باعث شد تا وی از بی‌سرپرستی نجات پیدا کند و به دامن بستگان مشرک خویش بازنگردد.

(ه) بطلان سنت‌های جاهلی و نادرست

محیط عصر پیامبر و سایه افکندن بعضی خرافات جاهلی نیز می‌طلبید که پیامبر با سر پنجه تدبیر از جمله ازدواج به تبدیل محیط جاهلی بپردازد. ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش با هدف از بین بردن دو سنت غلط جاهلی، یعنی سنت پسرخواندگی و احکام مربوط به آن و دیگری تحریم ازدواج با همسر مطلقه غلام آزاد شده، تحقق یافت.

صبر و پایداری پیامبر ﷺ در برابر مشکلات اخلاقی برخی زنان و قطع نکردن رابطه خود با آنان نشان می‌دهد که پیامبر بر اساس موقعیت سیاسی خویش رفتار می‌کرد نه برپایه جوّ خانوادگی و علاقه همسری (عاملی، سیره صحیح پیامبر اعظم، ۱۳۹۱: ۹۴۵).

از جمله دلایل دیگری که در نقد آرای مستشرقان بیان شده است، عبارت است از:

۱. شریعت محمد و موسی ﷺ از یک منبع سرچشمه گرفته و در شریعت موسی نیز تعدد زوجات مباح دانسته شده است؛ چرا مستشرقان، موسی و دین او را سرزنش نمی‌کنند و تنها بر پیامبر اسلام ﷺ خرده می‌گیرند؟ (ابن هشام، السیره النبویه، بی تا: ۱۵۳).

۲. محمد مانند هر بشر دیگر ازدواج کرد تا با نشان دادن اخلاق فاضله در برابر زنان، الگویی برای تمام بشر باشد. علاوه بر این، دین خاتم باید پیروانش به هر طریق مشروعی از جمله ازدواج (فرد یا تعدد) توسعه یابند تا مایه مباحثات پیامبر در روز قیامت شوند (أبوسعده، تعدد زوجات اعجاز تشریحی، بی تا: ۱۲۳).

۳. چه بسا تعدد زوجات برای مردی سنگین و غیرقابل تحمل باشد اما زن را از رژیم بردگی امروزی (ازدواج قانونی با یک زن و رابطه آزاد و نامشروع با سایر زنان) که بسیار بدتر از تعدد زوجات است، نجات می دهد. به همین جهت، هیچ یک از همسران پیامبر به این قصد وارد خانه ایشان نشد که او را مخصوص خود گرداند؛ زیرا موضوع تعدد زوجات بسیار عادی و طبیعی بود به طوری که برخی از آنان، خود پیشنهاد همسری به پیامبر می دادند یا یکی از همسران، خواستگاری از زن دیگری را به ایشان پیشنهاد می کرد؛ نظیر خوله دختر حکیم که پیشنهاد کرد در یک وقت عایشه و سوده را خواستگاری کند (بنت الشاطی، زنان پیغمبر، ۱۹۵۴: ۲۲-۲۴).

۴. این سخن مستشرقان که می گویند تعدد ازدواج پیامبر به دلیل به دست آوردن پسر بوده نیز صحیح به نظر نمی رسد؛ زیرا
اولاً در تحلیل تاریخی نباید با احتمال، یک واقعیت را تحلیل نمود، بلکه باید حرف مستدل باشد.

ثانیاً سخن جان دیون پورت درباره انگیزه تعدد زوجات پیامبر اسلام فقط یک ادعاست و هیچ شاهی بر صدق آن وجود ندارد.

ثالثاً شواهد متعددی بر نادرستی این مطلب دلالت دارد؛ زیرا پیامبر تا توانست با فرهنگ جاهلی مبارزه و با تمام امکانات کوشید تا فرهنگ زنده به گورکردن دختران را از بین ببرد و بر خلاف آنها که می پنداشتند نسل از طریق پسر است، فرزندان حضرت زهرا علیها السلام را فرزندان خود خواند؛ اگر چه حکمت الهی نیز بر این تعلق گرفت که نسل آن حضرت از طریق دختر باشد.

رابعاً برخی از زنان پیامبر پیش از ازدواج با آن حضرت، کنیز آن حضرت بودند. اگر هدف پیامبر اسلام پسر دار شدن بود، می توانست این کار را از طریق رابطه زناشویی با کنیز انجام دهد.

خامساً اگر پیامبر اسلام در جست‌وجوی فرزند پسر بود، چرا این کار را در اوایل زندگی و وقتی با حضرت خدیجه ازدواج کرد، انجام نداد و همسر دیگری در آن زمان انتخاب ننمود. این دلایل شواهد گویایی است که آن حضرت به جهت پسریابی به ازدواج‌های متعدد روی نیاورده است.

۵. بر خلاف ادعای مستشرقانی که علت ازدواج‌های پیامبر را میل ایشان به داشتن پسر ذکر کرده‌اند، هیچ‌یک از منابع معتبر اسلامی میل به پسررداری را علت تعدد زوجات پیامبر ندانسته‌اند و هر کس با الفبای تعلیم پیامبر آشنا باشد، چنین انگیزه را از ساحت پیامبر نفی می‌کند؛ زیرا آن بزرگوار هیچ‌گاه از میل داشتن پسر سخن نگفته و از نداشتن پسر حسرت نخورده است. اگر میل به پسررداری برای وی هدف بود، می‌بایست در وفات ابراهیم چیزی برخلاف رضای الهی بگوید و از طرز فکر مسلمانان که می‌گفتند گرفتن خورشید نشانه هماهنگی عالم بالا با پیامبر برای از دست‌دادن فرزندش است، سوء استفاده نماید، در حالی که خطاب به آنان فرمود: اینکه خورشید گرفته است به مردن پسر م ربطی ندارد (شیرودی، بازخوانی دیدگاه پنج اندیشمند غربی درباره پیامبر اعظم، بی‌تا: ۹۶).

۶. یکی دیگر از دلایلی که بر نادرستی این ادعای مستشرقان شهادت می‌دهد، این است که پیامبر اسلام تمام تلاش خود را برای از بین بردن فرهنگ بی‌ارزش شمردن دختران و زنده به گور ساختن آنان انجام داد و برخلاف آنان که می‌پنداشتند نسلشان تنها از طریق پسر است، آن حضرت فرزندان حضرت زهرا (علیها السلام) را فرزند خویش خواندند (حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بی‌تا: ۳ / ۱۶۶).

۷. در زمینه‌ی ازدواج پیامبر با زینب بنت جحش، قابل ذکر است که داستان برخورد پیامبر ﷺ با زینب در غیاب زید و مفتون زیبایی او شدن اغراقی بیش نیست و در منابع نخستین بیان نشده است و با زحمت آن را ساخته و پرداخته اند، (مونتگمری‌وات، محمد پیامبر سیاستمدار، ۱۹۹: ۱۳۴۴). ضمن این که پیامبر در همان ابتدا به زیبایی‌های زینب آگاه بود و زینب قبل از ازدواج با زید به دلیل علاقه‌ی زیاد به پیامبر به وی پیشنهاد ازدواج داد اما پیامبر نه تنها نپذیرفت بلکه او را به عقد پسر خوانده‌اش درآورد.

۸. حکم بیش از چهار زن گرفتن همانند پشت‌سرهم گرفتن روزه و وجوب نماز شب از اختصاصات پیامبر بوده است (طباطبایی، المیزان، بی‌تا: ۴ / ۳۱۱).

۹. اگر ازدواج‌های پیامبر به سبب جاذبه جنسی این زنان انجام می‌شد، باید فرزندان بسیاری از حضرت به یادگار مانده باشد، در حالی که تنها از خدیجه رضی الله عنها صاحب شش فرزند شد. ابراهیم فرزند پیامبر رضی الله عنه نیز از ماریه قبطیه کنیز وی بود. ضمن اینکه ازدواج‌های پیامبر در برخی موارد فقط در حد مراسم عقد انجام گرفته و در مواردی نیز تنها به خواستگاری بعضی از زنان قبایل قناعت کرده بود (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳: ۲۲/۱۹۱-۱۹۲).

۱۰. افرادی که با تهمت زدن به پیامبر اکرم قصد حمله به رسالت ایشان را دارند، اولاً پذیرفتن رسالت پیامبر آنان را در ورطه کفر می‌کشاند. ثانیاً با این اعتقاد که پیامبر را یک بشر می‌دانند اما با این نسبت‌های ناروا به آزادی شخصیت پیامبر هجوم می‌آورند (درحالی که خود را طرفدار آزادی شخصیت بشری می‌دانند) ظلم و تعدی بر آزادی انسانیت است (زکریا، المستشرقون والاسلام، ۱۹۶۵: ۳۳۰).

۱۱. مستشرقان مسیحی اندکی به اقوال و نوشته‌های نویسندگان یهود بنگرند که اظهار می‌کنند: عیسی و شاگردانش اعمال شنیع انجام می‌دادند و با افرادی که از راه حرام، تعدد زوجات داشته و به یک زن اکتفا نمی‌کردند، غذا می‌خوردند (أبوسعد، تعدد زوجات پیامبر، بی تا: ۱۲۳).

نتیجه

آنچه از واکاوی ازدواج‌های پیامبر گرامی اسلام به دست می‌آید، این است که برخلاف شبهه افکنی مغرضان و ناآگاهان، ازدواج‌های ایشان با دستور الهی و بر اساس حکمت بوده است که هرگونه شبهه هوس‌رانی و کام‌جویی را از ساحت پاک ایشان می‌زداید. برخی از دلایل ازدواج‌های پیامبر به عنوان نتایج نوشتار در ذیل ذکر می‌شود.

اول: پیامبر بهترین دوران عمر و جوانی خود را تنها با یک همسر سپری کرد و تا ایشان زنده بود، زن دیگری اختیار نکرد، در صورتی که تعدد زوجات در جامعه آن روز عربستان کاملاً رواج داشت.

دوم: پیامبر اسلام نوعاً با زنان سالخورده، بیوه و بی‌پناه وصلت می‌کردند که این امر با هوسرانی سازگاری ندارد.

سوم: برخی از ازدواج‌های ایشان به خاطر محافظت از یتیمان و درماندگان و حفظ آبروی کسانی بود که قبلاً در عزت و سرافرازی زندگی می‌کردند؛ چرا که با از دست دادن سرپرست

خود، آبرو و ایمانشان در صورت برگشت به سوی قبیله خود به خطر می افتاد. همانند ماجرای ازدواج سوده و زینب دختر خزیمه که همسران خود را از دست داده بودند و ام سلمه نیز مسن و یتیم دار و باایمان بود و به ازدواج پیامبر ﷺ درآمد.

چهارم: علت دیگر ازدواج های ایشان به سبب کوبیدن سنت های غلط جاهلی و گشودن بندهای جاهلیت از دست و پای مردمان بود؛ مانند ازدواج با زینب دختر جحش؛ زیرا اعراب جاهلی ازدواج با همسر پسر خوانده را ممنوع می دانستند. پیامبر برای مبارزه علنی با این سنت با زینب وصلت نمود.

پنجم: گونه دیگر ازدواج ایشان به سبب سرپرستی اسیران و بردگان و جذب قلوب قبایل به سمت اسلام و دفع خطر آنها انجام گرفت؛ مانند ازدواج با جویریة اسیر که تعداد زیادی از قبیله او در پی این ازدواج مسلمان شدند.

ششم: برخی دیگر از این ازدواج ها به دلیل ملاحظات سیاسی و برای دفع توطئه بعضی قبائل نسبت به اسلام انجام گرفت؛ مانند ازدواج با ام حبیبه، حفصه و عایشه.

اینها بخشی از مصالح و فلسفه هایی است که بر ازدواج های پیامبر اکرم مترتب است و دقت نظر در آنها برخی خاورشناسان از جمله جیمس میکر، جان دیون پورت، توماس کارلایل و دیگران را به اعتراف به ستودن ساحت پیامبر اکرم ﷺ به پاکی و شرف و زدودن شبهه لذت گرایی از چهره معصوم آن حضرت وا داشته است تا جایی که گفته اند: ما خطای فاحش می کنیم اگر محمد را شخصی هوسران تصور نماییم.

پی‌نوشت‌ها

[۱] در باره سن عایشه میان مورخان اختلاف نظر وجود دارد و قاطع‌ترین برهان و مستندترین دلیل که مورد اختلاف هیچ مورخی نیست، اثبات سن عایشه از طریق مقایسه سن وی با خواهرش اسما بنت ابی بکر است. طبق نقل بزرگان اهل تسنن، اسماء ده سال از عایشه بزرگ‌تر بود و در سال اول هجری بیست و هفت سال داشت و همچنین در سال هفتاد و سه هجری از دنیا رفت، در حالی که صد سال داشت. ابونعیم اصفهانی در معرفة الاصحاح می‌نویسد: «... أسما بنت ابی بکر ... كانت أخت عائشه لأبيها و كانت أسن من عائشه ولدت قبل التاريخ بسبع و عشرين سنه» (اصبهانی، معرفه الصحابه، ۱۴۲۲ق: ۶/۳۲۵۳). این مطلب را نیز می‌توان در منابع دیگر نیز یافت (طبرانی، المعجم الکبیر، ۱۴۰۴: ۷۷/۲۴، ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل، ۱۹۹۵: ۶۹/۹؛ جزری، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، ۱۴۱۷: ۱۱/۷؛ نووی، تهذیب الاسما و اللغات، ۱۹۹۶: ۵۹۸/۲؛ هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ۱۴۰۷: ۹/۲۶۰ و ...). گواهی این منابع، اگر عایشه از خواهرش اسماء ده سال کوچک است و خواهرش در سال ۷۳ هـ فوت کرده، هنگام آغاز هجرت، عایشه ۱۷ ساله بوده و خواهرش ۲۷ ساله، بدین صورت عایشه در هنگام ازدواج با پیامبر (یک یا دو هجری که قبلاً منابع آن ذکر شد) تقریباً هفده یا هیجده ساله بوده است. بخاری از عایشه نقل کرده است که «من هنگام نزول آیه، ﴿بَلِ السَّاعَةِ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَذْهَى وَأَمْرٌ﴾ (القمر/ ۵۶) جاریه‌ای بودم و بازی می‌کردم» (ابن حجر، فتح الباری، ۱۴۰۲: ۸/۴۸۶). «جاریه» در زبان عرب به معنای دوشیزه است (طباطبایی، فرهنگ نوین، ۱۳۷۱: ۷). این آیه به شهادت کتب تفسیر هشت سال قبل از هجرت به پیامبر ﷺ در مکه نازل شده است. پس اگر عایشه هشت سال قبل از هجرت حداقل هفت یا هشت ساله بوده است (جاریه)، هنگام ازدواج با پیامبر عایشه سنی در حدود شانزده یا هفده داشته است.

[۲] در سلسله سند این روایات راویانی مانند هشام بن عروه، حماد بن سلمه، عبیدالله بن موسی و ... وجود دارد که توسط محققان اهل سنت جرح شده‌اند (ابن حجر، فتح الباری، ۱۴۰۲: ۲۱۰؛ الذهبی، تذکره الحفاظ، ۱۴۱۹: ۱/۱۴۴ و ۳۰/۲۳۹)، البته افرادی می‌خواهند از این حدیث و کلام پیامبر ﷺ که فرمودند «انتم أعلم بأمور دنیاکم» و اینکه نیازی به گردافشانی ندارد، یکی از منابع علم پیامبر را اجتهاد دانسته و بگویند که آن حضرت گاهی اشتباه می‌کردند؛ لذا با پذیرش این مطلب عصمت آن حضرت معنی و مفهومی نخواهد داشت.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم، انتشارات دارالقرآن الکریم، چاپ سوم، ۱۳۷۶ ش.
۲. نهج البلاغه، گردآوری سیدرضی، ترجمه محمد دشتی، قم: نشر شهر، ۱۳۸۵ ش.
۳. ابن جوزی، المنتظم، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء و مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۲.
۴. ابن سعد، طبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطاء، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰ م.
۵. ابن عساکر، علی بن الحسن، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمائل، بیروت: دارالفکر، ۱۹۹۵ م.
۶. ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و دیگران، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۷. ابن اثیر، علی بن الکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر، ۱۳۸۵ ق.
۸. ابن هشام، السیره النبویه، لبنان، دارالکتب العربی، ۱۴۱۶ ق.
۹. أبوسعده، محمد بن محمد شتا، بی تا، تعدد الزوجات إعجاز تشریعی یوقف المدالإستشراقی، بی جا، بی تا.
۱۰. الإستانبولی، محمود مهدی، أبونصر السبئی، مصطفی نساء حول الرسول، ۱۴۲۳ ق.
۱۱. الاصبهانی، ابی نعیم، مفرقه الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. انصاری، مسعود، کورش بزرگ و محمد بن عبدالله ﷺ، بی تا.
۱۳. بنت الشاطی، عایشه، زنان پیغمبر، ترجمه محمد علی خلیلی، مصر: ۱۹۵۴ م.
۱۴. الجبری، عبدالمتعال محمد، السیره النبویه و أوهام المستشرقین، قاهره: مکتبه وهبه، بی تا.
۱۵. جزری، عزالدین بن الاثیر، أسد الغابه فی معرفه الصحابه، دار احیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۷ ق.
۱۶. حاکم نیشابوری، المستدرک الصحیحین، کوشش مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۱۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.

۱۸. حمامی، وحیده، چند همسری در قرآن و سیره پیامبر ﷺ، بیانات، ۱۳۸۵، ش ۵۲.
۱۹. دوانی، علی، پیامبر اسلام از نظر دانشمندان شرق و غرب، قم: انتشارات اسلام، بی تا.
۲۰. دیاری بیدگلی، محمدتقی، «بررسی دیدگاه مستشرقان درباره ازدواج پیامبر اکرم ﷺ با زینب»، قرآن پژوهی خاورشناسان، ش ۱۶، ۱۳۹۳.
۲۱. دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه غلامرضا سعیدی، قم: دارالتبلیغ الاسلامی، بی تا.
۲۲. الذهبی، شمس الدین، تذکرة الحفاظ، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
۲۳. رازی، ابوالفتح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۲۴. زکریا، هاشم زکریا، المستشرقون و الاسلام، بی جا: بی نا، ۱۹۶۵م.
۲۵. زمانی، محمدحسن، شرق شناسی و اسلام شناسی غربیان، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۲۶. زمانی، محمدحسن، مستشرقان و قرآن، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
۲۷. الزیادی، محمدفتح الله، الإستشراق وأهدافه و رسائله، بی جا، ۱۴۲۶.
۲۸. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم: بوستان کتاب، چاپ بیست و سوم، ۱۳۸۵ش.
۲۹. سیوطی، درالمنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۳۰. شیروودی، مرتضی، «بازخوانی دیدگاه پنج اندیشمند غربی درباره پیامبر اعظم ﷺ»، اندیشه تقریب، ۱۳۸۴: ش ۲، ص ۷۸-۱۰۱.
۳۱. صالحی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
۳۲. صواف، محمد محمود، زوجات النبی الطاهرات، دار الاقتصام.
۳۳. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی.
۳۴. طبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب ابوالقاسم، المعجم الكبير، موصل: مکتبه الزهراء، ۱۴۰۴ق.

۳۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: فراهانی، ۱۳۶۰ش.
۳۶. طبری، تاریخ طبری، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث، چاپ دوم، ۱۹۶۷م.
۳۷. عاملی، جعفر مرتضی، سیره صحیص پیامبر اعظم ﷺ، ترجمه محمد سپهری، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۱.
۳۸. عبدالمحمدی، حسین، مستشرقان و پیامبر اعظم ﷺ، قم: ترجمه و نشرالمصطفی، ۱۳۹۲.
۳۹. عبدالمعظم فؤاد محمود، عثمان، من إفتراعات المستشرقین علی الأصول العقیدة فی الإسلام، ریاض، مكتبة العیكان، ۱۴۲۲ق.
۴۰. عقاد، محمد، راه محمد، ترجمه اسدالله مبشری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۸.
۴۱. عقیقی بخشایشی، همسران رسول خدا، قم: دارالتبلیغ الاسلامی، چاپ سوم، ۱۳۵۲ش.
۴۲. گوستاولوبون فرانسوی، تمدن اسلام و عرب، ترجمه فخر داعی گیلانی، بی جا: انتشارات کتب ایران، چاپ چهارم، ۱۳۳۴.
۴۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳.
۴۴. محمدحسین هیکل، حیاة محمد ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علی اکبر علمی، بی تا.
۴۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: صدرا، ۱۳۸۵.
۴۶. معروف الحسنی، هاشم، سیره المصطفی، قم: منشورات الرضی، ۱۹۷۵م.
۴۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و یکم، ۱۳۸۲.
۴۸. مونتگمری وات، ویلیام، محمد پیامبر و سیاستمدار، ترجمه اسماعیل والی زاده، تهران: ۸۹ کتابفروشی اسلامی، ۱۳۴۴.
۴۹. نووی، یحیی بن شرف، تهذیب الاسما و اللغات، بیروت: دارالنشر، ۱۹۹۶م.
۵۰. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، بی تا.

۵۱. نیک‌بین، نصرالله، فرهنگ جامع خاورشناسان مشهور، تهران: آرون، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش.
۵۲. واقدی، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، تحقیق: عطا، محمد عبد القادر، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۰ق.
۵۳. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران: چاپ دوم، ۱۳۶۹ش.
۵۴. ویرژیل‌گیورگیو، کنستاین، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، ترجمه ذبیح‌الله منصور، تهران: زرین، چاپ هفدهم، ۱۳۸۶.
۵۵. ویل‌دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۵.
۵۶. هادی حسینی و دیگران، کتاب زن، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱ش.
۵۷. هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، القاهرة: دارالریان للتراث، ۱۴۰۷ق.
۵۸. الیاس انطون الیسا، فرهنگ نوین عربی - فارسی، ترجمه سید مصطفی طباطبایی، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۱ش.